

در مقابل کارهای خلاف به نام دین و مذهب، سکوت نکنید

پیام آیت الله منتظری به مراجع تقلید، علما و حوزه‌های علمیه

حاکمیت به جای این که به ندای حق طلبانه مردم پاسخ مثبت و معقول دهد و درصد تأمین حقوق تضییع شده آنان برآید جمعیت چند میلیونی را آشوبگر و اغتشاشگر و عوامل بیگانه نامید و به بدترین وضع و با خشونت کامل مردان و زنان بی دفاع را مورد ضرب و شتم و سرکوب قرار داد و عده زیادی را بازداشت و گروهی را در خیابانها و عده ای را در زندان های مخوف به شهادت رساند.

بسم الله الرحمن الرحيم

عن رسول الله (ص): " اذا ظهرت البدع في امتي فليظهر العالم علمه ... " (الكافي، ج ۱، ص ۵۴)

حضرات مراجع عظام تقلید و علمای اعلام قم، نجف، مشهد مقدس، تهران، اصفهان، تبریز، شیراز و سایر بلاد اسلامی دامت برکاتهم

پس از سلام و تحیت، این جانب با توجه به شرایط جاری در کشور و مطالبی که هر روز شاهد آن هستیم و کارهای خلافی که به نام دین و مذهب تشیع انجام می‌شود شرعاً خود را موظف می‌دانم از روی خیرخواهی و احساس خطر جدی نسبت به مصالح دین و کشور، و از باب (و ذکر فان الذکری تنفع المومنین) اموری را یادآور شوم:

□ □

۱ - همه می‌دانیم که انقلاب ما یک انقلاب دینی و ارزشی بود و هدف اصلی از آن با تحمل آن همه مصیبت‌ها، سختی‌ها، تبعیدها، زندان‌ها و شکنجه‌ها، تنها تغییر اشخاص حقیقی حاکمیت و تغییر صورتی در بعضی امور جزئی نبود؛ بلکه مقصود حاکمیتی بود که در تمام عرصه‌ها به عقائد، اخلاق و احکام شرع مبین پایبند بوده و معتقد و عامل به آنها باشد؛ و در پرتو آن حاکمیت، ایمان، مکارم اخلاق، عدالت و آزادی از استبداد و خفقان، محقق شده،

حقوق اقشار مختلف مردم تأمین گردیده و مطالب و تجاوز به حقوق آنان ریشه کن شود، و ملت ما از این جهات احساس راحتی و آسایش نماید و در مقابل سایر ملتها سربلند و الگوی تحقق عدالت، عزت، کرامت و ارزشهای انسانی باشد. هدف این نبود که فقط نام و نشان و شعارها تغییر کند ولی عملاً همان مطالب و انحرافات رژیم گذشته و تجاوزات به حقوق به شکل دیگری به عنوان حاکمیت دینی و ولایت فقیه جریان پیدا کند.

این جانب که همه می‌دانند مدافع سرسخت حاکمیت دینی و از پایه گذاران ولایت فقیه - البته نه به شکل مرسوم فعلی، بلکه به گونه ای که مردم او را انتخاب نمایند و بر کارهای او نظارت داشته باشند - بوده ام و در راه تحقق آن در بعد علمی و عملی تلاش زیادی نموده ام، اکنون در مقابل مردم آگاه ایران به خاطر ستم هایی که تحت این نام و عنوان بر آنان می‌رود احساس شرمندگی کرده و خودم را در پیشگاه خداوند بزرگ مسئول و در مقابل خون های ریخته شده شهدای عزیز و تجاوزات به حقوق مردم بیگناه مورد عتاب می‌بینم. بسیاری از افراد با سابقه در انقلاب از طریق نامه، ایمیل و یا حضورا به من می‌گویند: حاکمیت دینی که شما وعده آن را به مردم دادید و ولایت فقیه را مجری آن می‌دانستید و می‌خواستید آن را به پا دارید همین است که امروز ما آن را مشاهده می‌کنیم؟ در حالی که آنچه مشاهده می‌شود در واقع حکومت ولایت نظامی است نه ولایت فقیه.

□ □

□ □ ۲ - حضرات مراجع و علمای اعلام، خوب می‌دانند که در طول تاریخ پیوسته آنان ملجأ و پناهگاه مردم در مقابل تجاوزات و مطالب حکومت ها بوده اند، و این افتخار را داشته اند که در مقابل حکومت های جائر و در کنار مردم و مدافع شریعت و حقوق اقشار ستم دیده باشند و در این راه خدمات و محرومیت هایی را متحمل شده اند. جزاهم الله عن الاسلام خیر □ □ الجزاء.

□ □ البته پس از پیروزی انقلاب، متأسفانه این سابقه درخشان و نورانی به واسطه اعمال خلافی که در حکومت انجام گرفت و چه بسا روحانیت هم در آن نقش نداشت ولی به علت کوتاهی در نهی از منکر در معرض تحول و خطر جدی قرار گرفت و با دور شدن از اخلاق و گاه در عمل با تحکیم تئوری "هدف وسیله را توجیه می‌کند" انحراف در مسیر انقلاب و دور شدن از اهداف اولیه آن، آغاز و این خطر جدی تر شد تا آنجا که امروز با تأسف باید گفت به پایگاه معنوی و

مردمی روحانیت و مرجعیت و به تبع آن به اسلام و مذهب که به طور سنتی متکی به روحانیت و عجین با آن بوده و از آن راه ترویج می‌گردیده ، ضربه زیادی وارد شده است که معلوم نیست چگونه و چه زمانی قابل جبران می‌باشد!

عجین بودن مذهب و عالمان و متخصصان دینی که امری مقبول و معقول و مورد تأیید مردم مسلمان است موجب شده است که هر آسیب وارد بر روحانیت ، قهرا متوجه اسلام و مذهب نیز باشد.

در چنین وضعیتی مسئولیت مراجع محترم و روحانیت شیعه سنگین تر خواهد بود؛ زیرا علاوه بر وظایف عمومی آنان که لازمه رشته تخصصی آنان و توجه مردم به روحانیت و مرجعیت است ، وظیفه دفاع از حیثیت مذهب و تطهیر دامن آن از کارهای خلافی که حاکمیت به نام مذهب انجام داده و می‌دهد نیز بر عهده آنان خواهد بود؛ زیرا کارهای خلاف شرعی که خلاف اهداف اولیه انقلاب هم می‌باشد و به نام دین و مذهب انجام می‌گیرد از مصادیق بارز بدعت است . بدعت منحصر به تشریح و وارد کردن رسمی حکم غیر دینی در دین نیست ، بلکه شامل هر کار خلاف شرعی که به نام شرع و مذهب انجام گردد نیز خواهد بود.

در آیه ۷۱ سوره توبه می‌خوانیم : (والمؤمنون والمؤمنات بعضهم اولیاء بعض ، یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر) به مقتضای جمع محلی به الف و لام استغراق ، همه مومنین و مومنات نسبت به یکدیگر در حد امر به معروف و نهی از منکر ولایت دارند؛ پس علماء اعلام به طریق اولی دارای این ولایت می‌باشند و نباید ساکت باشند. و در وصیت مولا امیرالمومنین (ع) می‌خوانیم : "لا تترکوا الامر بالمعروف والنهی عن المنکر فیولی علیکم شرارکم ثم تدعون فلا یستجاب لکم " (نهج البلاغه ، نامه ۴۷) ترک امر به معروف و نهی از منکر و بی تفاوت بودن مردم در برابر کارهای خلاف ، طبعاً موجب سلطه اشراک است و دعاء فقط دردی را دوا نمی‌کند.

□ □

□ ۳ - با توجه به آنچه گفته شد متذکر می‌شوم : حوادث و فجایع ماههای اخیر که پس از انتخابات ریاست جمهوری در کشور و در مرئی و مسمع حضرات مراجع و علمای محترم رخ داد زنگ خطری است برای روحانیت و مرجعیت . در این حوادث حق کشی ها ، ظلم ها ، تخلفات فراوان به نام دین و با تأیید بخش اندکی از روحانیون حکومتی و وابسته انجام شد و به دنبال آن ، اقشار وسیعی از مردم معترض

طبق حق شرعی و قانونی و بر اساس اصل بیست و هفتم قانون اساسی با انتخاب مسالمت آمیزترین راه، اعتراض خود را به حاکمیت ابلاغ کردند و حاکمیت به جای این که به ندای حق طلبانه مردم پاسخ مثبت و معقول دهد و درصدد تأمین حقوق تضییع شده آنان برآید جمعیت چند میلیونی را آشوبگر و اغتشاشگر و عوامل بیگانه نامید و به بدترین وضع و با خشونت کامل مردان و زنان بی دفاع را مورد ضرب و شتم و سرکوب قرار داد و عده زیادی را بازداشت و گروهی را در خیابانها و عده ای را در زندان های مخوف به شهادت رساند.

عجب این که حاکمیت با تکیه بر نیروی نظامی و انتظامی و کشیدن اسلحه بر روی مردم بی پناه و بی سلاح آنان را شهید و یا زندانی نموده ولی در نهایت مردم را محارب نامیدند. خود بحران ایجاد کرده و نظام را به مخاطره انداخته ولی مردم و پایه گذاران نظام را اغتشاشگر و مخالف نظام می نامند.

همزمان با سرکوب مردم، تعدادی از فعالان سیاسی و نخبگان کشور که هر کدام از آنان سال ها در جمهوری اسلامی خدمات با ارزشی داشته اند را بازداشت و با طرح های از پیش تعیین شده بر خلاف شرع و قانون، شروع به پرونده سازی و گرفتن اعترافات دروغ و سپس نمایش آنها در دادگاههای فرمایشی غیر شرعی و غیر قانونی نموده و در نتیجه آئین قضایی اسلام را مورد مسخره جهانیان قرار داده است؛ و به جای مجازات جدی آمران و عاملان آن همه جنایت، فقط با وعده دادن مجازات آنان، همچون وعده بر مجازات آمران و عاملان قتل های زنجیره ای، به بازداشت افراد خدمتگزار دیگر و فشار بر دو کاندیدای محترم حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ مهدی کروبوی و جناب آقای مهندس میرحسین موسوی - دام توفیقهما و حفظهما الله تعالی - و بستن دفاتر و روزنامه های آنان و بازداشت همفکران و همکاران معزز آنان و متهم نمودن افراد صدیق و خدوم در رسانه های وابسته حکومتی نموده و حتی از جایگاه مقدس نماز جمعه به امور واهی و دروغ همچنان ادامه می دهند که نهایت این روند موجب تخریب بیشتر اعتقاد مردم به روحانیت و مرجعیت شیعه و اسلام عزیز خواهد شد.

در چنین شرایطی است که مردم مسلمان ما از امثال حضرات مراجع و علمای محترم و این حقیر انتظاراتی دارند که با توجه به وظیفه سنگینی که شریعت مقدسه بر دوش عالمان دینی قرار داده است و نیز مسئولیت سنتی و تاریخی مرجعیت و روحانیت انتظار بجایی است. مردم می گویند: این ظلم ها و حق کشی ها و بدعت ها اگر خلاف اسلام

است ، چرا مراجع محترم و علمای دین که حافظ دین و مذهب و حصن اسلام و شریعت و مدافع حقوق مردم و مبین احکام شریعت و از جمله امر به معروف و نهی از منکر و اظهار مخالفت با خلاف ها و بدعت ها هستند، در مقابل این همه بدعت ها و کارهای خلافی که به نام دین و مذهب انجام می شود به پیروی از دستور پیامبر اسلام (ص) اظهار علم و مخالفت صریح با بدعت ها نمی کنند؟ و آیا این همه مظالم و حق کشی ها و جنایات از بیرون آوردن خلخال از پای یک زن یهودی توسط سربازان معاویه کمتر است که مولای متقیان حضرت علی (ع) فرمود: اگر مرد مسلمانی از غصه آن بمیرد نباید ملامت شود؟! (نهج البلاغه ، خطبه ۲۷). به یقین حضرات مراجع و علمای محترم قلبا از این منکراتی که به نام دین و مذهب انجام می شود نگران و ناراحت می باشند و بعضا اقداماتی نیز نموده اند، اما آیا با توجه به مفاد حدیث شریف نبوی که اظهار علم را واجب دانسته ، این مقدار کفایت می کند؟

□ □

□ □ ۴ - حضرات مراجع محترم به قدرت و نفوذ کلام خود در حاکمیت توجه دارند و خوب می دانند که حاکمیت در حفظ مشروعیت خود به آنان نیاز دارد و از این رو اینک آنان را هرچند به حسب ظاهر به رسمیت می شناسد و از آنان ترویج می کند، و نیز می دانند که حاکمیت از سکوت آن حضرات در قبال کارهای خلاف خود بهره برداری می کند، پس آیا سزاوار است در امور مهمه ای که به حیثیت و آبروی دین و مذهب و تأمین حقوق اقشار عظیمی از مردم و نیز دینداری و حفظ اعتقادات مذهبی جوانان مربوط است سکوت کرده به نحوی که بین مردم چنین تلقی شود که خدای ناکرده مراجع و روحانیت موافق و موید کارهای خلافی هستند که به گوشه ای از آنها اشاره شد؟

□ □

□ □ در خاتمه یادآور می شوم : این جانب هنوز از اصلاح امور مایوس نشده ام و به نظر می رسد مراجع عظام تقلید می توانند ترتیبی دهند تا با راهنمایی و ارشاد آنان و با همفکری با دو کاندیدای محترم ریاست جمهوری و نمایندگان عاقل و معتدل و کارشناس متدین و امین از طرف نظام ، راههای بیرون رفت از این بحران بزرگ را که برای جمهوری اسلامی و مشروعیت آن پیش آمده است بررسی کرده تا آنچه را مصلحت دیدند صادقانه با اشراف حضرات مراجع مورد عمل قرار گیرد. و بالاخره حاکمان ، سیاست یک بام و دو هوا و به کیش خود خواندن و طرد کردن دیگران را نه به طور موقت ، بلکه برای همیشه رها کنند و مردم را که صاحبان اصلی حکومتند از روی صدق و

به دور از شعار ارج نهند و آراء آنان را مورد نظر و عمل قرار دهند و اسلامیت و جمهوریت حقیقی و عدالت واقعی را اجرا نمایند. برای انسان اقرار به اشتباه ننگ نیست ، زیرا بار حق نرفتن ننگ است .

عظمت اسلام و مسلمین و عزت و کرامت مردم ایران و سلامتی و توفیق بیشتر شما را از خداوند بزرگ مسألت دارم .

□

□□۱۳۸۸/۶/۲۲□ - ۱۴۳۰ - ۲۳ رمضان المبارک

□قم المقدسة - حسینعلی منتظری